نگاه

چرا ایران برای روسیه مهم است

بهرام امیراحمدیان
استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اوراسیا

● ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران و روسیه شباهت‌هایی به هم داشته است که هم در دوره امپراتوری روسیه با نظام شاهنشاهی ایران و هم پس از دوره فروپاشی به‌ویژه دوره زمامداری پوتین با جمهوری اسلامی ایران قابل تطبیق است. اکنون هر دو کشور با ساختار نظم جهانی به رهبری آمریکا مخالفت سرسختانه‌ای دارند. در سال‌های اخیر که پس از بحران اوکراین روسیه از سوی غرب تحریم اقتصادی شده است و ناتو در پی دربرگیری روسیه پیش می‌رود، همکاری‌های ایران و روسیه با یکدیگر به عمق استراتژیک هر دو کشور معنا می‌دهد. دوراندیشی آغاز دوران پوتین برای تعریف کریدور شمال-جنوب جهت بهره‌گیری از دالانی استراتژیک که بتواند در صورت ادامه دربرگیری روسیه از سوی ناتو، شبیه مدل دربرگیری شوروی، از مخمصه رهایی یابد، قلمرو جمهوری اسلامی بود که در سال ۲۰۰۰ بین این دو و هند به امضا رسید. این کریدور روی کاغذ ماند. ایران در سال‌های تحریم مورد بی‌مهری این دو شریک قرار گرفت. اکنون که روسیه از سوی غرب در تنگنای استراتژیک قرار گرفته، اهمیت استراتژیک ایران برای روسیه بیشتر شده است. ولی هند با غرب بیش از شرق رابطه دارد. هند بازیگری چندوجهی است و مرموز. عروس هزار داماد است. این دو سوی کریدور شمال - جنوب یعنی هند و روسیه با اسرائیل رابطه‌ای نزدیک دارند و در این میان ایران با اسرائیل دشمنی دارد. ایران نیز می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود، از موقعیتش برای ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی خود بهره گیرد. قلمرو ایران منطقه‌ای حائل برای روسیه در ارتباط با خاورمیانه‌ای است که روسیه علاقه‌مند به حضور در آن است. بی‌دلیل نیست که روسیه علاقه‌مند به میانجیگری بین ایران و عربستان است تا با بهبود روابط بین این دو قدرت منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس، بتواند حضور داشته باشد و تهدیدهای غرب را خنثی کند. مبحث انرژی نقشی مهم و کلیدی دارد. دیدار پادشاه عربستان از مسکو در این راستا هم می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. تماس آنها برای ثابت‌نگه‌داشتن تولید و صادرات نفت بهای جهانی نفت را افزایش داده است. از جنبه‌های اقتصادی هم حضور در خاورمیانه برای روسیه از اهمیت برخوردار است. نامهربانی و رویگردانی آمریکا از متحدان سابق نظیر آنچه در ارتباط با قطر پیش آمد، کشورهای منطقه خلیج فارس را به متنوع‌سازی سیستم‌های دفاعی و نظامی و روی‌آوردن به تسلیحات روسیه تشویق می‌کند و موقعیت روسیه را بهبود می‌بخشد. روسیه و عربستان با همکاری با یکدیگر به‌عنوان دو کشور بزرگ صادرکننده نفت در جهان می‌توانند هشداری برای آمریکا در جهت تأمین منافع کشورهای صادرکننده نفت باشند. تهدیدات آمریکا به دردست‌گیری بازار نفت با تحولات تکنولوژیکی در درون آمریکا (نفت شیل و راه‌اندازی دوباره صنایع زغال‌سنگ با خروج از پیمان جلوگیری از آلودگی هوا در پاریس) و تحولات کشور نفت‌خیز ونزوئلا، می‌تواند منافع کشورهای مهم صادرکننده نفت را به خطر بیندازد. مسئله دیگر گمان می‌رود مسئله قفقاز باشد. روسیه برای رویارویی و خنثی‌سازی تحریم‌های اقتصادی اروپا قصد گسترش دامنه اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را دارد. ایران به نحوی در این فرایند داخل شده است ولی ارمنستان در شمال ایران عضو این اتحادیه است که اتصال جغرافیایی با دیگر مجموعه‌ها ندارد. روسیه قدرت تأثیرگذاری در روند صلح قره‌باغ را در قبال عضویت جمهوری آذربایجان ثروتمند در این ساختار دارد که با اتصال ارمنستان از طریق خاک جمهوری آذربایجان قدرتی بیش از تصور به روسیه برای تأثیرگذاری بر منطقه خواهد داد. بنابراین حضور رئیس‌جمهور آذربایجان در این نشست‌ها می‌تواند توجیه شود. ایران و روسیه هر دو با هر دو جمهوری درگیر مناقشه یعنی ارمنستان و جمهوری آذربایجان روابط نزدیک دارند (البته هر دو بیشتر با ارمنستان) که می‌توانند در روند صلح تأثیرگذار باشند. همچنین روسیه برای تکمیل شبکه ریلی اتصال به ایران، علاقه‌مند به بهره‌گیری از راه‌آهن جمهوری آذربایجان است که برخلاف راه‌آهن شرق دریای خزر تنها با گذر از یک کشور دیگر (جمهوری آذربایجان) امکان‌پذیر می‌شود (هرچند روس‌ها نگران استفاده گرجستان ناسازگار با روسیه، از این مسیر ریلی هستند)، هر سه کشور می‌توانند با یکدیگر در منطقه همکاری داشته باشند (البته این امر نیازمند جدیت ایران در ساخت راه‌آهن مسیر رشت-انزلی-آستاراست که با دشواری‌هایی روبه‌روست که به این زودی‌ها امکان‌پذیر نیست). حمل‌ونقل و ترانزیت، بخش انرژی و سوآپ نفت و گاز هم مواردی برای نزدیکی سه کشور است. قلمرو ایران و زیرساخت‌های مناسب کشور در بنادر خود در ساحل جنوبی آماده سوآپ نفت روسیه و جمهوری آذربایجان است چون هر سه صادرکننده نفت و گاز (در مورد گاز ایران در آینده وارد این فرایند خواهد شد) توانایی تشکیل کنسرسیوم‌های تجارت انرژی را خواهند داشت. آینده سه کشور در تجارت انرژی رقم می‌خورد. دریای خزر فرصتی استثنایی برای هر سه کشور در زمینه‌های یادشده است. ایران، جمهوری آذربایجان و روسیه با سه ساختار سیاسی متفاوت ولی با تمرکز قدرت در دست رهبرانشان ظرفیت‌های زیادی برای همکاری دارند.

ادامه در صفحه ۱۹

politics@sharghdaily.ir

عکس: Reuters

پوتین امروز برای شرکت در نشست سه‌جانبه به ایران می‌آید

پیدا و پنهان پوتین

این سومین سفر پوتین به ایران است

لیلا ابراهیمیان

«ولادیمیر» را به فارسی می‌توان «جهانگیر» یا «جهاندار» ترجمه کرد؛ نامی که در زبان روسی تاریخ‌ساز است؛ «ولادیمیر ناباکوف»، «ولادیمیر مایاکوفسکی»، اولی رمان‌نویس و نویسنده داستان‌های کوتاه است با آثاری مانند «لولیتا»، «زندگی واقعی سباستین نایت»، «دعوت به مراسم گردن‌زنی»، «ماری» و «شاه، بی‌بی، سرباز» و دومی شاعر و درام‌نویس فوتوریستی است که نامش با کتاب «ابر شلوارپوش» در خاطره‌ها جاودان شده است. تاریخ سیاسی روسیه هم «ولایمیر»های سرنوشت‌سازی به خود دیده است: مهم‌ترین آنها «ولادیمیر ایلیچ اولیانوف»، معروف به «لنین»، بنیان‌گذار اتحاد جماهیر شوروی؛ چهره‌ای استثنائی در تاریخ روسیه که نام او با انقلاب اکتبر گره خورده است. روسیه شروع اولین سال تاریخ صدساله اخیر خود را با «ولادیمیر لنین» آغاز می‌کند؛ کسی که در سال ۱۹۱۷ خط پایان بر تاریخ تزارها کشید؛ اما انتهای این تاریخ صدساله اخیر، تزاری دیگری در روسیه در قدرت است: «ولادیمیر پوتین». امروز «از اصلاح‌طلبان لیبرال گرفته تا سنت‌گرایان محافظه‌کار در مسکو، از پوتین به‌عنوان تزار قرن ۲۱ یاد می‌کنند». شاید پوتین این عنوان را مدیون بیرون‌کشیدن کشورش از وضعیتی که بسیاری از روس‌ها از آن به‌عنوان آشفتگی دهه ۱۹۹۰ یاد می‌کنند و دوباره مطرح‌کردن نام روسیه به‌عنوان یک ابرقدرت در جهان است؛ کشوری در آسیای شمالی و اروپای خاوری؛ در میان مرزهای آبی اقیانوس آرام شمالی، اقیانوس منجمد شمالی، دریای خزر و دریای بالتیک. پوتین اقتصاد را به تکنوکرات‌های لیبرال واگذار کرده و سیاست را به مقامات سابق «کاگ‌ب»؛ روسیه هزینه غلبه سیاست بر اقتصاد را می‌پردازد.

میهمان‌ایران

پوتین ۶۵ساله خود را در اوج قدرت می‌بیند و در ۱۷ سال حضورش در قدرت، روسیه را در اوج شکوه. او از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ در قامت رئیس‌جمهوری روسیه بود و بعد از آن برای مدت چهار سال، در قامت نخست‌وزیر «دمیتری مدودف» و از سال ۲۰۱۲ بار دیگر به کاخ کرملین وارد شد و این‌بار دمیتری مدودف در موقعیت نخست‌وزیر پوتین قرار گرفت. مردی پرنفوذ که راه و رسم قدرت‌ورزی را خوب می‌داند؛ او اگر محبوب روس‌ها هم نباشد، روسیه او را به‌خاطر اصلاحاتش در ساختار سیاسی این کشور دوست دارد؛ مردی در مواجهه با پارادوکس عشق و نفرت. نام او این روزها از آمریکا تا سوریه شنیده می‌شود؛ از دوستی‌اش با دونالد ترامپ تا اتهام دخالت در انتخابات آمریکا؛ سرنوشت صلح در سوریه، به کمکش گره خورده است و سرنوشت گروه تروریستی داعش به غضبش و دوستی‌ای که با تهران دارد. بیش از یک بار ترامپ و پوتین نسبت به هم ابراز ارادت کرده‌اند؛ پوتین ترامپ را یک «رهبر باهوش و بااستعداد» خوانده که بدون شک یکی از کاندیداهای موفق برای ریاست‌جمهوری آینده آمریکاست و ترامپ در پاسخ او را یک «رهبر قوی» خوانده بود. او امروز برای سومین‌بار میهمان تهران است؛ در کنار «الهام علی‌اف»، رئیس‌جمهوری آذربایجان. گرچه این حضور به بهانه نشست سه‌جانبه تهران، جمهوری آذربایجان و مسکو اعلام شده؛ اما بدون شک در روابط دو کشور نقطه‌ای مهم خواهد بود. اگرچه سال‌های نه‌چندان دور، رابطه تهران - مسکو در شرایط چندان مساعدی قرار نداشت؛ اما سال‌های ریاست‌جمهوری حسن روحانی، دو رئیس‌جمهوری ۹ بار با یکدیگر دیدار داشته‌اند. حسن روحانی در آخرین ملاقاتش با پوتین در مسکو، وضعیت دو کشور را حرکت به سمت روابط راهبردی عنوان کرده بود؛ رابطه‌ای که بدون شک وضعیت کنونی جمهوری فدراتیو روسیه و تصمیمات پوتین در آن تأثیرگذار خواهد بود.

از کودکی تا اشتیاق برای حضور در کاگ‌ب

آلبوم زندگی پوتین یکی‌یکی ورق می‌خورد؛ تصویر اول، کودکی با لباس‌های گشاد در آغوش مادر را به نمایش می‌گذارد، محصلی در راه مدرسه، نوجوانی متفکر، جوانی تیزبین با چهره‌ای نگران، راننده‌ای با لباس مردم معمولی، نظامی‌ای با سردوشی و دیگر مسیر قدرت برای فرزند «ولادیمیر اسپیریدونویچ» و «ماریا ایوانوونا» فراهم شده است؛ او از فقر به سیاست قدم گذاشته و امروز به‌عنوان یکی از قدرتمندترین و ثروتمندترین مردان جهان شناخته می‌شود.

پوتین برای دوستان خود یادآور روزهای اوج روسیه است، ورزشکاری مصمم، عاشق جودو با کمربند مشکی، بغل‌کننده خرس قطبی، ناجی قوی‌هیکل اسلاوها و... . او روزانه یک ساعت شنا می‌کند و به بوکس، کونگ‌فو و بسیاری از هنرهای رزمی دیگر علاقه‌مند است. پوتین در راندن انواع و اقسام وسایل نقلیه مهارت دارد؛ از زیردریایی هسته‌ای تا هواپیما، لوکوموتیو و کامیون‌های بزرگ. گاهی هم شعر می‌خواند. در دیدار با برندگان مسابقه معلم برتر روسیه گفته: «از کتاب‌هایی که دوست دارم، می‌توانم به شعرها و نثر میخائیل لرمانتوف اشاره کنم. من همیشه کتابی با آثار «میخائیل لرمانتوف» روی میزم دارم تا بتوانم در هر لحظه‌ای آن را بخوانم و بیندیشم و برای مدتی در دنیای زیبا و شگفت انگیز او فرو بروم».

سال ۱۹۵۲ بود که در «لنینگراد» یا «سن‌پترزبورگ» فعلی به دنیا آمد؛ تنها پنج ماه قبل از مرگ «ژوزف استالین» در پنجم مارس ۱۹۵۳. اطلاعات درباره چهره مرموز سیاست روسیه اندک است و متضاد؛ عده‌ای پدرش را درجه‌دار نیروی دریایی خوانده‌اند (از لنین تا پوتین؛ محمود طلوعی) و در جست‌وجوی اینترنتی آمده است: «پدر پوتین کارگر کارخانه‌ای است که از لحاظ فیزیکی ناتوان بود؛ او پاهایش را در عملیات انتحاری در جنگ جهانی دوم از دست داده بود.

مادرش که یکی از فرزندانش را به دلیل مریضی دیفتری از دست داد و نزدیک بود به دلیل قحطی دوران جنگ جان بدهد. برای دستمزدی ناچیز، خیابان‌ها را جارو می‌زد و گاهی تجهیزات آزمایشگاهی را تمیز می‌کرد». یا «فارین پالیسی» نوشته است: «پوتین سعی کرده از زمانی که یک مرد جوان بوده، تصویری ناشناس و غریبه از خود نشان دهد. وی در شهر لنینگراد (سن‌پترزبورگ فعلی) به دنیا آمد و رشد کرد. او فرزند یک کارگر کارخانه و سرایدار بود. ریشه اولیه او از استان ریازان است».

اما آنچه همه درباره آن اشتراک نظر دارند، این است که ولادیمیر، دوران کودکی خود را در فقر و تنگدستی به سر آورده است. دانش‌آموزی تیزهوش و زیرک که به اعتراف خودش، مهم‌ترین علاقه آن زمانش تماشای فیلم‌های جاسوسی بود و یادگیری زبان آلمانی و خواندن تاریخ اروپا؛ به قول خودش، «یک نفر کاری می‌کرد که از یک لشکر برنمی‌آمد. یک جاسوس می‌توانست سرنوشت هزاران نفر را تعیین کند». شاید همین باعث شد که او بعدها وارد «کاگ‌ب» شود؛ مأمور مشتاق سازمان اطلاعاتی-جاسوسی. دانشجوی رشته حقوق دانشگاه لنینگراد بود که فرم استخدام در سازمان اطلاعات و جاسوسی را پر کرد. به سال آخر دانشگاه که رسید، توانست در سال ۱۹۷۰ از سوی «یوری آندروپف»، مدیر وقت این سازمان، به استخدام درآید.

پوتین ۶۵ساله خود را در اوج قدرت می‌بیند و در ۱۷ سال حضورش در قدرت، روسیه را در اوج شکوه. مردی پرنفوذ که راه و رسم قدرت‌ورزی را خوب می‌داند؛ او اگر محبوب روس‌ها هم نباشد، روسیه او را به‌خاطر اصلاحاتش در ساختار سیاسی این کشور دوست دارد؛ مردی در مواجهه با پارادوکس عشق و نفرت.

در خلوت مأمور مخصوص

ولادیمیر در جولای ۱۹۸۳ در یکی از مأموریت‌های خود با یک مهماندار هواپیما آشنا می‌شود: «لیودمیلا شکربنووا پوتینا»؛ نتیجه این آشنایی ازدواجی است که ۳۰ سال دوام داشت. اما سرانجام به جدایی انجامید؛ پوتین در سال ۲۰۱۳ پس از اتمام دیدار از یک نمایش‌نامه از طلاق توافقی خود خبر داد. ولادیمیر، دلیل این جدایی را نداشتن وقت به دلیل کار و مشغله زیاد عنوان کرد؛ اگرچه رسانه‌ها از دلایلی دیگری سخن گفتند. از خیانت ولادیمیر به لیودمیلا تا رابطه پنهانی او با زنان دیگر و در نهایت عکس زنی جوان با کودکی موطلایی که ادعا شد، فرزند پوتین است. شاید این همان است که یکی از رسانه‌های روسی ادعا کرده بود، پوتین در خارج از زندگی زناشویی با «آلینا کابایوا»، ژیمناست المپیکی، ارتباط داشته و از او یک فرزند دارد؛ اما این ادعا از سوی مقامات کرملین به‌سرعت تکذیب شد.

«پوتینا» نام خانوادگی خود را بعد از جدایی از پوتین به «اوشرتنایا» تغییر داد و هیچ‌وقت برای رسانه‌ها فردی در دسترس نبود و شاید فقط یک‌بار از راز زندگی خود سخن گفته باشد: «او دست بزن داشت». پوتین دو دختر «یکاترینا» متولد ۳۱ آگوست ۱۹۸۶ و «ماریا» متولد ۲۵ آوریل ۱۹۸۵ دارد؛ یکاترینا در دانشگاه دولتی مسکو مشغول تدریس ریاضی و مکانیک است؛ می‌گویند شوهرش میلیاردها دلار در صنعت پتروشیمی سرمایه‌گذاری کرده است.

مأمور کاگ‌ب در برلین شرقی

سه سال بعد از ازدواج، ولادیمیر به آلمان شرقی می‌رود؛ محل جدید خدمتش در کاگ‌ب در «درسدن»؛ جمهوری دموکراتیک آلمان (یا GDR) کشوری کمونیست، در آن بخش از سرزمین‌های آلمان که شوروی در جنگ جهانی دوم آنجا را اشغال کرده بود. آلمان شرقی از بازوهای مهم قدرت مسکو بود، چسبیده به اروپای غربی، و پر از نظامیان و جاسوسان شوروی. این حضور پنج سال برای ولادیمیر به درازا می‌کشد، از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۱.

او به چشم خود فروریختن دیوار برلین بین آلمان شرقی و غربی را می‌بیند؛ دورانی که پوتین از آن به تلخی یاد می‌کند. او و لیودمیلا در آلمان شرقی زندگی راحتی داشتند؛ پوتین ساعت‌ها بروشورهای تبلیغی غربی را ورق می‌زد که از مد روز عقب نماند. شاید آن زمان غصه می‌خورد که چرا ظاهرش به خوش‌قواره‌ای تصویرهای ورزشکاری امروزی‌اش- که مسئولان روابط‌عمومی ریاست‌جمهوری روسیه فراهم می‌کنند- نبوده است؛ او امروز به آرزوی خود رسیده است.

۱۰ سال باید از زمان برگشت پوتین از برلین شرقی می‌گذشت تا این‌بار در قامت رئیس‌جمهوری روسیه ظاهر شود؛ اما هرگز پیروزی احساسات میهن‌پرستانه و رؤیای دموکراسی بر ایدئولوژی کمونیسم را در آلمان شرقی فراموش نکرد. همچنان‌که او سال ۱۹۹۱ و فروپاشی شوروی و سقوط «میخائیل گورباچف» را هم از خاطر نمی‌برد. پوتین وقایع دردسرن را از خاطر نبرده و زمانی که میدان کی‌یف پر از معترضانش شلوغ شد، خاطرات تلخش دوباره زنده شد؛ «انگار ترس‌های کهنه دوباره درونش زنده می‌شود».

از شهرداری تا ریاست‌جمهوری

او بعد از اتحاد دو آلمان، به لنینگراد برمی‌گردد؛ آن زمان این شهر تغییر نام داده بود. پوتین در شهرداری استخدام می‌شود و در دومین سال حضورش، به معاونت شهرداری می‌رسد. برای مبارزه با مافیای اقتصادی این شهر با تشکیلات امنیتی جدید روسیه «F. S. B» که جانشین کاگ‌ب شده بود ارتباط برقرار می‌کند. ولادیمیر در همین دوره در جریان انتخاباتی «بوریس یلتسین»، ریاست ستاد انتخاباتی او را به عهده می‌گیرد و از همان‌جا، یعنی ۱۹۹۶ به جمع کارکنان دولت می‌پیوندند. زمان به‌سرعت سپری می‌شود و پوتین مسیر قدرت را طی می‌کند.

دو سال بعد، به دستور یلتسین، به ریاست تشکیلات امنیتی جدید روسیه انتخاب می‌شود و در تابستان سال ۱۹۹۹ در مقام نخست‌وزیر یلتسین قرار می‌گیرد؛ نخست‌وزیری قدرتمند؛ قدرت در ید ولادیمیر نخست‌وزیر بود نه یلتسین رئیس‌جمهور. او در چند ماه اول حضورش، برای مبارزه با فساد اداری و سرکوب مافیایی و استقرار امنیت در شهر گام‌های بزرگی برداشت. اما طولی نمی‌کشد که یلتسین از مقام خود استعفا می‌دهد؛ و کفالت رئیس‌جمهوری را به دست پوتین می‌دهد. این زمان او به سرکوب چچن‌ها مشغول بود و در میان ناسیونالیست‌های روسیه و نظامیان از موقعیت بالایی برخوردار بود. برای همین در انتخابات ماه مارس ۲۰۰۰ علاوه بر ناسیونالیست‌ها، نظامیان و مردم عادی روسیه که خواهان امنیت و رفاه اقتصادی بودند، در کنار عده‌ای از کمونیست‌های سابق به دلیل سوابق پوتین در حزب کمونیست و تشکیلات امنیتی شوروی به او رأی دادند. او بعد از پیروزی در انتخابات، حزبی تأسیس کرد که در ۲۰۰۳، طرفدارانش وارد دومای روسیه شدند. دیگر راه برای پوتین هموار شده بود و در انتخابات ۲۰۰۴ بر رقیب قدرتمند خود پیروز شد؛ «میخائیل خودروسکی»، مدیر و صاحب سابق شرکت بزرگ نفتی «یوکوس» که رسانه‌های آمریکایی در ۲۰۰۳ او را با بیش از هشت میلیارد دلار ثروت، ششمین مرد ثروتمند جهان معرفی کردند؛ او بعدها به جرم فساد مالی و تقلب مالیاتی راهی زندان شد.

۹ آگوست ۱۹۹۹ برای ولادمیر پوتین، روزی سرنوشت‌ساز بود، او در همین روز از سمت ریاست اداره اطلاعات و امنیت روسیه به‌عنوان یکی از سه معاون نخست‌وزیر برگزیده شد، اما ساعاتی بعد با سقوط دولت نخست‌وزیر، به کفالت نخست‌وزیری رسید و عصر همان روز بوریس یلتسین، رئیس‌جمهوری وقت روسیه، او را به‌عنوان جانشین خود به مردم روسیه توصیه کرد. کمتر از یک هفته بعد، پوتین از پارلمان به‌عنوان نخست‌وزیر رأی اعتماد گرفت، در آخرین روز این سال، رسما کفیل ریاست‌جمهوری شد، سرانجام در آگوست ۱۹۹۹ به مقام نخست‌وزیری روسیه رسید. در دسامبر همان سال، پنج ماه بعد و در پی استعفای «بوریس یلتسین» به‌عنوان رئیس‌جمهوری موقت روسیه برگزیده شد و در مارس ۲۰۰۰ در انتخابات ریاست‌جمهوری، رئیس‌جمهور روسیه شد؛ پوتین از یک نشانه سؤال سیاسی به نشانه تعجب بزرگ قرمز تبدیل شده بود.

هفته‌نامه «اکونومیست» در مقاله‌ای در آخرین شماره خود، مقاله‌ای که روزنامه «دنیای اقتصاد» آن را ترجمه کرده، درباره پوتین نوشته است: «پوتین همچون یک تزار از هرم قدرت بالا رفت. از زمانی که در سال ۲۰۰۱ علیه اولیگارش‌ها ایستاد، نخست کنترل رسانه‌ها و سپس کنترل غول‌های نفت و گاز را به دست گرفت و همه دسترسی‌ها به قدرت و پول از طریق او باید شکل می‌گرفت. این روزها اعیان به دلخواه پوتین خدمت می‌کنند و آنهایی که در طبقه‌ای پایین‌تر از اعیان هستند هم به دلخواه آنها خدمت‌گزاری می‌کنند و این داستان تا رده‌های پایین‌تر جامعه همچنان ادامه دارد. او قدرت خود را در روال قانونی جاری ساخته اما همه می‌دانند که بازپرسان و دادگاه‌ها به او پاسخ‌گو هستند. او محبوبیت ۸۰درصدی دارد که تا حدودی به‌خاطر آن است که مردم روسیه را متقاعد کرده است همان‌طور که یکی از سران نظامی می‌گوید: «اگر پوتین نباشد، روسیه هم نیست». او در دوران اول ریاست‌جمهوری‌اش موفق بود، او توانست با سیاست‌هایی که در پیش گرفت اقتصاد روسیه را با روند رو به رشدی مواجه کند. به دلیل محدودیت هشت‌ساله قانون اساسی برای ریاست‌جمهوری، پوتین جایش را به همکار و هم‌فکرش یعنی مدودوف داد و خود در صندلی نخست‌وزیری نشست. اما استراتژی‌های کرملین تغییری نکرده بود چون تنها اسم کسی که روی صندلی نشسته تغییر کرده بود.

ایران و روسیه در مسیر دوستی

دو کشور در سال‌های اخیر رابطه‌ای نزدیک را با هم تجربه می‌کنند؛ دیدار امروز دو رئیس‌جمهوری، نهمین دیدار در پنج سال گذشته است؛ دیدارهایی در تعداد بی‌سابقه و سومین حضور پوتین در ایران. پوتین سال ۱۳۹۴ به تهران سفر کرد با هواپیما و لیموزین شخصی خود؛ هواپیمایی شیک که در داخل آن دفتر کاری مجلل برای پوتین تدارک دیده شده است.

دوم آذرماه، تذکرهای بالای امنیتی از سوی تیم حفاظت روسی به مسئولان ایرانی سبب شد که حوالی سازمان اجلاس سران به فاصله حداقل یک کیلومتر، تک‌تیراندازهای ایرانی حتی روی مراکز و خانه‌های غیردولتی نیز مستقر شوند. او که برای شرکت در نشست رهبران کشورهای صادرکننده گاز به ایران سفر کرده، بلافاصله پس از ورود به تهران، با مقام معظم رهبری دیدار می‌کند. پوتین در پایان این سفر یک جلد قرآن مجید به رهبری هدیه داد. بخش خاورمیانه‌شناسی دانشگاه مسکو درباره تاریخچه آن اعلام کرد: «قرآنی که رئیس‌جمهور پوتین به جناب آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران هدیه کرد، مربوط به دوره مروان آخرین خلیفه بنی‌امیه بود که والی شام به سلطان سلیم عثمانی هدیه کرده بود و بعدها پادشاه دیگر عثمانی نیز آن را به عباس میرزا نائب‌السلطنه قاجار هدیه کرده بود».

ادامه در صفحه ۱۹

روزنه

سفر پوتین به تهران

فریدون مجلسی

● دشمنی ایران و آمریکا که برخی دیدگاه‌ها در ۴۰ سال گذشته بر تداوم و تشدید آن کوشا بوده‌اند و آمریکا نیز با تشدید مقابله با جمهوری اسلامی و حمایت بی‌دریغ از اسرائیل در تشدید آن کوتاهی نکرده است، اکنون با تهدیدها و سیاست‌های نامتعارف پرزیدنت ترامپ رنگی بحرانی به خود گرفته است. در این میان جمهوری اسلامی بارها کوشیده است از تضادهایی که میان سیاست‌های روسیه و آمریکا پیش‌آمده است، برای تقویت مواضع خود در مقابل آمریکا بهره بگیرد و نوعی جناح‌بندی متقابل به‌وجود آورد. برخی حتی از اتحاد یا بیشتر از آن از اتحاد نظامی یاد کرده‌اند.

تردیدی نیست که دولت‌ها در روابط بین‌المللی از فرصت‌ها برای یارگیری و تقویت جبهه خود، می‌کوشند ازاین‌گونه شرایط استفاده تاکتیکی کنند، اما عبارات «اتحاد» و خصوصا «اتحاد نظامی یا سیاسی» به‌شدت رنگ استراتژیک یا راهبردی دارد. خوشبختانه روسیه در شرایطی است که به‌هیچ‌وجه از چنین اتحادهایی استقبال نمی‌کند؛ وگرنه بعید نبود هیجانات برخی گروه‌ها ما را در دام اتحاد با همسایه‌ای بیندازد که برای ایرانیان یادآور سختی‌ها و مرارت‌ها و فشارهای تاریخی ناخوشایندی است که حتی آوردن نامش برای ما با نوعی بیم و هراس و نگرانی همراه بوده است. اما خوشبختانه روسیه امروز روسیه قدیم و شوروی سابق نیست. کشوری سرمایه‌داری است که به‌تدریج خودش را با اقتصاد جهان آزاد وفق می‌دهد و منافع ملی خود را در تعامل با قوی‌ترین اقتصادهای جهان می‌بیند. ایران در شمار اقتصادهای کوچک‌تری قرار دارد که به‌نوبه خود برای روسیه در جایگاه همسایه‌ای با امکانات دسترسی آسان‌تر ارزشمند است، نه بیشتر.

غرب‌ستیزی طولانی ایران در این شرایط که حتی شرط برخی شرکت‌های بزرگ اروپایی را برای سرمایه‌گذاری در ایران رضایت آمریکا قرار داده است، برای روسیه در غیاب آن رقیبان عمده، می‌تواند موقعیت‌های اقتصادی و بازرگانی مناسبی فراهم آورد که البته از لحاظ کیفیت فنی به‌پای رقبای غربی نمی‌رسد.

روسیه شریک قدیمی سوریه و دارای پایگاه نظامی در لاذقیه، در جنگ داخلی آن کشور از همکاری نظامی ایران بهره‌مند بود. اکنون که آن جنگ رو به‌پایان می‌رود، روسیه نیز بیشتر به منافع خودش می‌اندیشد. دیدیم که در ایجاد منطقه امن در حاشیه مرز اسرائیل از همکاری با ترکیه و آمریکا کوتاهی نکرد؛ زیرا اولا با اسرائیل روابط تاریخی و خوبی دارد و ثانیا مایل است بعد از ایجاد ثبات در کشوری که در آن ذینفع است، آرامش آن محفوظ بماند. ازاین‌رو تصور نمی‌رود روسیه در جنگی محتمل میان جمهوری اسلامی و اسرائیل به سود ایران جبهه‌گیری کند اما منافعش اقتضا می‌کند که از احتمال چنان جنگی بکاهد. به‌همین‌دلیل در دوران بحران‌های احمدی‌نژادی که جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به شورای امنیت بردند، روسیه نیز مانند چین حاضر نشد با وتوی خودش از صدور قطع‌نامه‌های تحریمی علیه ایران جلوگیری کند.

همسایگی و توانمندی صنعتی و اقتصادی روسیه اقتضا می‌کند که روابط بازرگانی و همکاری‌های صنعتی ایران و روسیه که سابقه تاریخی هم دارد، بسیار بیش از ارقام کنونی باشد. هرچه آمار و ارقام همکاری‌های اقتصادی دو کشور بالاتر برود، اعتبار و احترام متقابل بیشتر خواهد شد. تأثیر ادامه عملی تحریم‌های بانکی در روابط ایران و غرب، فرصت مناسبی برای توسعه این‌گونه روابط با روسیه را به‌وسیله ارزهای ملی فراهم می‌کند که خصوصا در زمینه‌های ریلی و برخی صنایع سنگین سودمند خواهد بود.

شرکت آب منطقه‌ای البرز

مناقصه شماره ۰۸-۹۶

تجدید آگهی ارزیابی کیفی (نوبت اول)

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز در نظر دارد ((انجام خدمات عمومی، نگهبانی ودفتری شرکت آب منطقه ای البرز)) را از طریق مناقصه یک مرحله ای به شرکتهای واجد شرایط و دارای رتبه خدمات ، مورد تایید اداره کل کار وامور اجتماعی برای سال ۹۶ باشند واگذار نماید.. لذا ازمتقاضیان دعوت می گردد بر اساس اطلاعات ذیل جهت دریافت اسناد مناقصه به شرکت سهامی آب منطقه ای البرز مراجعه نمایند:

۱- برآورد مبلغ اولیه : ۲۱/۸۵۶/۴۱۳/۷۰۲

۲- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۱/۰۹۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و نود وسه میلیون و ریال)می باشد که مناقصه گران می بایست بر اساس بخشنامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ به یکی از طرق ذیل تهیه و با شرایط اعلام شده در راهنمای مناقصه ارائه نمایند

-رسید پرداخت نقدی به عنوان سپرده نقدی به حساب جاری شماره ۲۱۷۵۰۸۶۰۰۱۰۰۹ نزد بانک ملی شعبه میدان مادر کرج ، بنام شرکت آب منطقه ای البرز(تمرکز وجوه سپرده)

-ضمانت نامه بانکی به مدت اعتبار حد اقل سه ماه وقابل تمدید، ویا ضمانت نامه های صادره از سوی موسسات غیر بانکی که دارای مجوز فعالیت از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هستند به نام شرکت آب منطقه ای البرز.

-ضمانت نامه صادره توسط موسسات بیمه گر دارای مجوز لازم برای فعالیت وصدور ضمانت نامه از سوی بیمه مرکزی ایران

-اوراق مشارکت بی نام تضمین شده بانک ها ودولت با قابلیت بازخرید قبل از سررسید (موضوع قانون انتشار اوراق مشارکت)

-وثیقه ملکی معادل هشتاد وپنج درصدارزش کارشناسی رسمی آن

-ضمانت نامه های صادره توسط صندوق های ضمانت دولتی که به موجب قانون تاسیس شده یا می شوند وطبق اساسنامه فعالیت می نمایند

۳- محل دریافت اسناد مناقصه : کرج - مهرشهر - بلوارامام خمینی (ره) - خیابان بوستان - شرکت آب منطقه ای البرز - گروه قراردادها تلفن : ۳۳۳۴۲۳۰۰-۰۲۶ (داخلی ۱۴۰و ۱۴۵)

۴- مهلت دریافت اسناد مناقصه شامل (اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه) : ۹۶/۸/۱۰ لغایت۹۶/۸/۱۳

۵- محل تحویل اسناد مناقصه : دفتر حراست شرکت آب منطقه ای البرز (آدرس مندرج در بند ۳)

۶- مهلت تحویل اسناد مناقصه : تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۶/۸/۲۷

۷- زمان بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی : ساعت ۹ مورخ ۹۶/۸/۲۸

۸- زمان بازگشایی پاکات مالی : ساعت ۱۰ روز دوشنبه مورخ ۹۶/۸/۲۹

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز